



اصلاح قوانین مهریه و چشم انداز حقوق زنان



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

برای چندمین بار موضوع اصلاح قوانین مربوط به مهریه در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است. ریشه این گونه طرح‌ها، بالا رفتن سرسام‌آور نرخ تورم، بالا رفتن لجام گسیخته قیمت طلا و افزایش تعداد زندانیان ناشی از محکومیت بابت پرداخت مهریه است. پس از اخبار ضدوتقیض، زهر خدادادی، رئیس فراکسیون زنان مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری «خانه ملت» توضیحاتی ارائه کرد: «طرح اصلاح قانون مهریه که پیش‌تر در مجلس مطرح و در کمیسیون‌های مربوط بررسی و اصلاح شده بود، پس از بازگشت از صحن علنی به دلیل برخی ایرادات شکلی، مجدداً در دستور کار کمیسیون قضایی قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام و مجدداً تقدیم هیئت‌رئیس مجلس شد... برخی برداشت‌ها و برداشت‌های نادرست مطرح شده در فضای عمومی درباره تعیین سقف برای مهریه یا محدودسازی حقوق زنان، فاقد مبنای علمی و واقعی است و این طرح با رویکردی تخصصی و با هدف کاهش آمار زندانیان ناشی از محکومیت‌های مالی به‌ویژه در حوزه مهریه و در عین حال با لحاظ حقوق زنان و مطالبات عمومی جامعه، در حال پیگیری است».

پیش از بررسی طرح نمایندگان، نیازمند مروری بر تاریخ قانون‌گذاری در زمینه مهریه هستیم. از حدود دودهمه پیش که جمعیت مردان حبس‌شده به دلیل عدم پرداخت مهریه افزایش یافت، مقامات کشور به فکر تغییر در قوانین مربوط به مهریه افتادند. ماده ۱۰۸۰ «قانون مدنی» مصوب سال ۱۳۱۳ خورشیدی همچنان معتبر است؛ بیان می‌دارد: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است». سالیان سال تنها توافق زوجین تعیین‌کننده بود. از آنجایی که گاهی مهریه وجه نقد تعیین می‌گردید و با رشد تورم به‌ویژه در دهه هفتاد خورشیدی این نوع مهریه‌ها کم‌ارزش و حتی بی‌ارزش شد؛ مجلس در سال ۱۳۷۶ تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ «قانون مدنی» اضافه و مقرر نمود: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد...».

ورود حاکمیت در توافق زوجین درباره مهریه، با تصویب «قانون حمایت خانواده» در اسفندماه ۱۳۹۱ رخ داد و ماده ۲۲ این قانون به این شکل به تصویب رسید: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یک‌صدوه سکه تمام‌پار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است...». به زبان ساده در صورتی که زوجه مهریه خود را از زوج طلب کند و او نتواند آن پرداخت باشد، تا میزان ۱۱۰ سکه تمام‌پار آزادی قضات دادگستری حکم به بازداشت شوهر می‌دهد، و برای وصول بیشتر از این میزان، زوجه باید مالی از همسر خود معرفی کند، در صورت عدم وجود مال، بخش مازاد بر ۱۱۰ سکه در عمل بلاوصول خواهد ماند.

اگر بخواهیم «طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی احکام راجع به مهریه» خلاصه کنیم، باید به این موارد اشاره نمود: می‌توان مردان محکوم به پرداخت مهریه را به حبس و یا پابند الکترونیکی محدود کرد؛ تعدیل اقساط مهریه توسط قاضی اجرای احکام (ونه دادگاه) در صورت نوسان ۱۵ درصدی قیمت سکه، طلا و ارز؛ اگر زوج به قصد فرار از پرداخت مهریه، اموال خود را حتی پیش از صدور حکم قطعی مهریه و با صرف اطلاع از شروع اقدامات اجرایی و قضایی زوجه به دیگران انتقال دهد، مرتکب جرم شده است؛ اکنون مطابق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی «زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند...» که به «حق حبس» شهرت دارد، با اصلاحات جدید در صورتی که اعسار زوج پذیرفته نشود و یا مهریه تقسیت و اولین قسط پرداخت گردد، حق حبس زوجه ساقط خواهد شد؛ علاوه بر دادخواست‌ها طلاق توافقی، دادخواست‌های دیگر انواع طلاق و مطالبه مهریه و نفقه نیز پیش از رسیدگی، به مراکز مشاوره ارجاع می‌گردد؛ و کاهش سقف مهریه موضوع ماده ۲۲ «قانون حمایت خانواده» از ۱۱۰ سکه به ۱۴ عدد، همه موارد محدودکننده حقوق مالی زوجه است.

واقعیت این است که در بسیاری از موارد که زنان دعوی مطالبه مهریه را طرح می‌کنند، هدف گرفتن مهریه نیست و ابزاری است برای فشار به مرد تا دیگر حقوق انکارشده خود مانند حق اشتغال، طلاق، تحصیل، خروج از کشور، حضانت و... را استیفا نمایند. اگر قرار است تحولی در نظام حقوق خانواده ایجاد کند، انتظار می‌رود قانون‌گذار در رویکرد خود تحولات اجتماعی را لحاظ نماید و به جای وصله پینه قواعد مالی زوجین، حقوق اولیه زنان امروزی را به رسمیت بشناسد.

گفته می‌شود که کشورهایی همچون آمریکا پنل‌های خورشیدی چین را عودت داده‌اند. آیا کیفیت پنل‌های خورشیدی که از چین وارد می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد یا به دلیل تحریم‌ها هر پنلی (بدون توجه به کیفیت آن) وارد کشور می‌شود؟ سهپوند در پاسخ به این سوال تأکید کرد: «این موضوعات که مطرح شده بیشتر شائناژ خبری است که رسانه‌های معاند انجام می‌دهند. پنل‌های خورشیدی استانداردهای بین‌المللی دارند و ایران نیز بر اساس همین استانداردها اقدام به واردات پنل می‌کند. چین یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین تولیدکنندگان پنل‌های خورشیدی در جهان است که پنل‌های خورشیدی را تولید می‌کند. بیش از دو دهه است که چینی‌ها در تولید این پنل‌ها فعالیت کرده‌اند و پنل‌هایی که وارد کشور می‌شود از استانداردهای لازم برخوردار است.»

او درباره مشکل زمین و خلا قانونی تصرف زمین‌هایی برای ایجاد مزارع خورشیدی، بیان کرد: «زمین‌هایی که قابلیت نصب پنل‌ها را دارند باید نزدیک به پست‌ها و خطوط انتقال برق باشند تا از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه باشند. محدودیت زمین از این باب است. وگرنه کویر مرکزی ایران زمین‌های خوبی دارند اما به پست‌های برق نزدیک نیستند. تلاش شده قراردادهایی که بسته می‌شود، این شرایط لازم را در زمین داشته باشند. در برخی استان‌ها مانند تهران، قم، اصفهان، یزد، مرکزی و کرمان محدودیتی در تأمین زمین مناسب وجود دارد. اما در استان‌های کوهستانی زمین‌ها بیشتر برای کشاورزی مرغوب و از پست‌های برق دور هستند، بنابراین در استفاده آنها برای نصب پنل‌های خورشیدی محدودیت‌هایی وجود دارد.»

دبیردوم کمیسیون انرژی مجلس افزود: «در کل، مشکل زمین نداریم چرا که مراجعات متعدد سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد زمین‌های مناسب برای احداث مزارع خورشیدی موجود است و ما هم کار آنها را پیگیری می‌کنیم. در حال حاضر شرایط مناسب است و صندوق توسعه ملی تسهیلات خوبی عرضه می‌کند و سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر پیگیری‌های خوبی انجام می‌دهد. نسبت به دولت‌های گذشته، دولت چهاردهم روند تولید برق خورشیدی را خوب پیش می‌برد و پیش‌بینی می‌شود تا سال پیک آینده بین ۵ تا ۷ هزار مگاوات برق خورشیدی وارد مدار شود.»

➤ موانع محکمی مقابل این طرح وجود دارد

حسین افضلی، کارشناس صنعت برق نیز



درباره این پروژه و ادعای مذکور به هم میهن گفت: «اگر تمام این کمبود نخواهد با انرژی خورشیدی تأمین شود، نیاز به ۲۳ تا ۲۴ هزار مگاوات برق داریم. این عدد برای امسال است و شاید سال آینده بیشتر هم باشد. برای تأمین آن از طریق انرژی خورشیدی، بیش از ۳۵ هزار هکتار زمین نیاز داریم که عدد بزرگی است. باید خیلی از مردم را در تأمین این زمین مشارکت دهند. اگر صرفاً نخواهند به چند شرکت بزرگ اکتفا کنند، قطعاً مشکل حل نخواهد شد. با قوانینی که در کشور ما وجود دارد، بسیار سخت است که زمین مورد نیاز این نیروگاه‌ها را در اختیار سرمایه‌گذار قرار دهند. چون قوانین بسیار محدودکننده، سخت‌گیرانه و زمان‌بر است. در شهرک‌های صنعتی هم نمی‌توان همه این نیروگاه‌ها را احداث کرد. چون زمین زیادی لازم است و قیمت زمین در این شهرک‌ها هم بالاست. بنابراین اگر بیایند و این روند را تسهیل کنند، لایحه‌ای به مجلس بدهند و مصوبه بگیرند که زمین‌های بایر و غیرقابل کشت که در کشور فراوان است را دولت بتواند به سرعت در اختیار بگذارد و کار شروع شود، قطعاً اثربخش است. اما با سازوکار فعلی، بعید می‌دانم بیش از سه تا چهار هزار مگاوات بتوانند اجرا کنند.»

او درباره مشکلات دیگر پیش روی این پروژه نیز گفت: «اگر سرمایه‌گذار خودش منابع بیاورد، طبیعتاً باید فقط برای خرید پنل و تجهیزات اقدام کند. شنیده بودم که دولت قراردادی با چین بسته است. تولیدات چین زیاد است و می‌تواند تأمین کند. داخل کشور هم تولید یا مونتاژ می‌کنند اما بعید می‌دانم این ظرفیت بتواند میزان پنل مورد نیاز را ظرف یک سال تأمین کند. برای همین واردات باید انجام شود. شرکت‌هایی هم هستند که در این شرایط تحریمی می‌توانند وارد کنند یا نه، من مطلع نیستم. اگر بتوانند پنل مورد نیاز را وارد کنند، امکان‌پذیر است و خیلی کار سختی نیست.»

او درباره مسائل مطرح شده درباره کیفیت پنل‌های وارداتی و این که گفته می‌شود چین قصد دارد پنل‌های مرجوعی آمریکا را به ایران بدهد، اظهار داشت: «ما در شرایط تحریمی هستیم و وقتی نمی‌توانیم از سایر کشورها تأمین کنیم، احتمالاً ناچار می‌شویم که همین پنل‌ها را بپذیریم. اگر کیفیتش خیلی نازل باشد، طبیعتاً به درد ما نمی‌خورد. قبلاً پنل‌ها از مالزی وارد می‌شد که کیفیت بسیار خوبی داشت. پنل‌های چینی هم بی‌کیفیت نبودند. اما کارخانه‌های متعددی در چین وجود دارد و اگر برای واردات با کارخانه‌های خوب کار کنند، کیفیت محصولات مناسب خواهد بود. اما شرایطمان به شکلی نیست که خیلی بتوانیم انتخاب کنیم.»

افضلی تأکید کرد: «تمام بخش‌ها باید پای این کار بیایند؛ فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، بخش قضایی، منابع طبیعی، مجلس و هر دستگاهی که می‌تواند به این موضوع کمک کند. نیاز به قوانینی جامعی داریم که مصوب و سریع ابلاغ شود و شرکت ساتبا (سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق) هم به سرعت آن را پیگیری کند.»

او درباره استفاده خانگی از این پنل‌ها نیز گفت: «به راحتی می‌توان از این طریق برق را تولید کرد و مازاد آن را هم فروخت. اما کسی نمی‌آید برق مصرفی خود را از این طریق تولید کند چون صرفه ندارد. چون برقی که دولت به مردم می‌دهد، یارانه‌ایست. مردم ترجیح می‌دهند اگر آن سیستم را دارند، برق تولیدی را به دولت بفروشند و از برق یارانه‌ای در خانه استفاده کنند.»

شهر یاران

درباره شیراز و وضع بی‌مثالش به بهانه روز حافظ

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

یک بار دیگر هم نوشته‌ام که اینجا وبلاگ شخصی‌ام نیست تا درباره نفسانیاتم بنویسم. اما باور کن هر روز عصر که چشم به مانیتور می‌افتد و دستم روی کیبورد می‌رود انگار کن قرار است به دیدار صمیمی‌ترین دوستانم بروم. خدا می‌داند که اهل مداهنه نیستم و بابت دلخوشی خواننده از این حرف‌ها نمی‌زنم. اما نمی‌دانم چه سری است که وقتی پشت این قوطی بگیر و بنشان می‌نشینم در هزار توی ذهنم حرف است که پشت حرف پیچیده می‌شود. بیشتر روزها جلوی خودم را می‌گیرم و آنچه می‌خواهد دل تنگم را برایتان نمی‌نویسم. اما شما جای من اگر قرار باشد هر روز با رفیق‌تان حرف بزنید از چه می‌گویید؟

آخر هفته رفتم شیراز. درست مثل پارسال که همین موقع مسافر ناخوaste شیراز شدم. می‌دانم ذهنتان مشغول‌تر از آن است که حرف‌هایم یادتان باشد اما همان موقع اینجا از دلیل رفتنم نوشتم. یک سال پیش خواهر عزیز و جوان رفیق‌م ناآگاهل مقنعه حاکی از سر کند و به آسمان هفتم پر کشید. خواهر رفیق‌م مصداق دقیق کلمه خواهر بود. جانش برای برادرش می‌رفت. اما این دلیل نمی‌شد که خواهرانگی‌اش را خرج باقی جماعت نکند. مرگ اما حقیقت است. راه گریز و گریز ندارد. دیروز روزی او رفت و شاید امروز روز نوبت ما شود. به هر حال خوش به حال اهالی آن دنیا که خواهر عزیزی پیدا کردند. برگردم سر حرفم. این دومین باری بود که فارغ از تفرج همان شیراز شدم. شهرهای کمی هستند که وقتی از دروازه‌شان می‌گذری حس کنی کسی به انتظارت نشسته باشد. شیراز اما از آن شهرهایی است که وقتی واردش می‌شوی ذوقی در دلت جوانه می‌زند و شوقی غریب بر وجودت می‌نشیند. حتماً و حکماً من یکی از هزاران و صد هزاران آدمی بودم که به این شهر عزیز پا می‌گذاشتم با این وجود حسی در درونم نهیسم می‌زد که شیراز غریب‌نواز تنها به من درود می‌فرستد. من صرفاً جهت‌لداری به شیراز رفته بودم. چه کند بی‌نوا ندارد بیش. اما خدا می‌داند که در شیراز تا دلتان بخواهد رفیق پیدا کردم و با آنها یک‌دله شدم. حالا دیگر مختصات شهرم دستم آمده بود. می‌دانستم که از معالی آباد چطور باید تا دروازه کارزون بروم. حتی می‌توانستم ساعت‌ها در فرهنگ شهر «پیر» بخورم و با بچه شانزده‌ساله نسل زدی که با مادرش آمده بود بستنی بخورد و سیگار بکشد هم کلام شوم. زن نمونه عینی که مادر شیرازی بود. برای آنکه مبدا خاطر بچه‌اش آزرده شود پا روی همه مادرانگی‌اش گذاشته بود و با بچه سرتشش رفاقت می‌کرد. حالا دیگر آنقدر شیرازی شده‌ام که می‌دانم اگر حالت کمی گرفته باشد می‌توانی به حافظه بروی و کنار آب رکنیاد بنشیننی تا حالت سر جایش بیاید. اصلاً آنقدر شیرازی شده‌ام که بدانم اگر حالتان بیشتر از این حرف‌ها گرفته باشد باید کوه دراک را بگیري و بالا بروی و در تندباد باد پاییزی بنشیننی و به شیراز نگاه کنی و تنالنی به لسان الغیب بزنی، رفتم. زدم. خوب آمد:

دوش وقتِ سحر از غُصه نجاتم دادند / واندر آن ظلمت شب آبِ حیاتم دادند

بیخود از شَعشَعه پرتو ذاتم کردند / باده از جامِ نَجَلنی صفا تم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده‌شی / آن شب قدر که این تازه‌راتم دادند

بعد از این روی من و آینه وصف جمال / که در آن جا خبر از جلوه ذاتم دادند

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب؟ / مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند

هاتف آن روز به من مژده این دولت داد / که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

این همه شهید و یَشکر کز سخنم می‌ریزد / اجر صبریست کز آن شاخ نباتم دادند

هَمّت حافظ و انفاسِ سحر خیزان بود / که ز بند غم ایام نجاتم دادند

